

«سومین روز را سراسر در دشت راه پیمودیم و از جادهٔ عریض و صافی به‌دهکدهٔ لنگر واقع در سه‌فرسنگی آخرین توقفگاه قبلی خود رسیدیم. این منطقه بسیار قدیمی، لنگر—یعنی توقفگاه کشتیها—نام دارد و بنا بر روایت محلی در گذشته قسمت زیادی از زمینهای این دشت زیر آب بوده و «لنگر» پناهگاه کشتیها به‌شمار می‌آمده است»<sup>۱</sup>.

تعبیر مذکور از واژه لنگر، از سوی نیکولای ولادیمیروویچ خانیکوف، به‌هنگام سفرش در ایران—که از طریق مشهد به‌سوی هرات می‌رفته است—در میانهٔ سدهٔ نوزدهم میلادی ارائه شده است. او بر این باور بوده است که چون فلات قصبه لنگر در گذشته، آبناک بوده و کشتیها در آنجا لنگر می‌انداخته‌اند، پس آن محل را به‌این مناسبت «لنگر» نامیده‌اند. مترجمان سفرنامهٔ خانیکوف نیز به‌تعبیر نادرست او توجه نکرده‌اند و به‌ریشه‌یابی نام این محل (لنگر) نپرداخته‌اند تا نسبتی را که خانیکوف بین آبناک بودن فلات منطقه، لنگر گرفتن کشتی در آن ناحیه، و سرانجام نامیده شدن آن محل به‌نام لنگر، برقرار کرده است، بی‌وجه و نامناسب نشان دهند.

باید دانست که محلی را که در روزگار خانیکوف به‌نام لنگر می‌خوانده‌اند، از توابع تربت جام محسوب می‌شده، و نام دیرینه و کهن آن خرگرد (خرجرد) بوده است. این جای، بی‌گمان تا پایان عصر تیموریان، و ظاهراً، حتی تا نیمهٔ نخست سدهٔ دهم هجری نیز به‌همین نام (خرگرد) شهرت داشته است.<sup>۲</sup> اما ظاهراً از عصر صفویان—احتمالاً از میانهٔ روزگار صفویه—رفته‌رفته به‌نام لنگر مشهور شده است. یعنی نام جزئی از آن محل بر کلی آن گذارده شده است؛ زیرا سید

۱. خانیکوف، نیکولای ولادیمیروویچ، سفرنامه (گزارش سفر به‌بخش جنوبی آسیای مرکزی)، ترجمه دکتر اقدس یضایی و ابوالقاسم بیگناه، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۷.

۲. یسئجد با: نظامی یاخرزی، عبدالواسع، منشأ الانشاء، به‌کوشش رکن‌الدین همایونفرخ، تهران، ۱۳۵۷، ۱/۱۶۶-۱۶۷.

قاسم انوار - عارف نامبردار سده نهم هجری - پس از ۸۳۰ ه.ق. - که از هرات تبعید شد - به سوی سمرقند و بلخ رفت و سپس به خرگرد جام آمد و در آنجا ماند تا آنکه در ۸۳۷ ه.ق. درگذشت و در همانجا دفن شد. در پایان سده نهم هجری به دستور امیر علیشیر نوایی، بر مزار او بنایی ساختند و آن را «روضه قاسم انوار» خواندند.<sup>۲</sup>

این که خانیکوف درباره بنای مذکور می نویسد: «بر یکی از دیوارهای این بنا سنگی است که روی آن فرمانی مربوط به سال ۱۰۴۶ حک شده است. طبق فرمان ساکنان این بخش از برخی مالیاتها معاف هستند. نام پادشاه در این سند ذکر نشده، اما شکی نیست که این فرمان در دوران سلطنت شاه صفی صادر شده است»؛ البته با اسناد تاریخی مبیانت دارد. زیرا اهالی این محل از نقشبندیان بوده اند و نقشبندیه از صوفیه اهل سنت بودند و در عصر صفوی مشمول و مقبول پسندهای دینی و عرفانی و عنایتهای حکمرانان صفوی نبودند.<sup>۳</sup> از این رو معافیت اهالی این خطه از خراسان از مالیات، می بایست پیش از صفویه معمول شده بوده باشد. این نکته ای است که اسناد دیوانی و رسمی عصر تیموری نیز بر آن تأکید دارد. نظامی باخرزی متن فرمانی را با عنوان «معافیات خیرات اهالی روزگور» به فرموده یادگار محمد میرزا در باب سلمیات روضه بزرگوار بهشت آثار قاسم انوار و مظهرالاسرار - سلام الله علیه - نقل می کند. متن مزبور حکایت از آن دارد که اولاً معاف شدن نقشبندیان «قصه خرگرد» جام از سیورغال و مالیاتهای متداول آن عصر در اواخر عصر تیموریان مطرح بوده است و ثانیاً خاکجای قاسم انوار و محل مورد بحث در اواخر عصر تیموریان و در دهه نخست سده دهم هجری به نام «روضه قاسم انوار» و «خرگرد» شهرت داشته است.<sup>۴</sup>

از این روی، می توان گفت که احتمالاً مسأله معافیت اهالی خرگرد، پس از تیموریان، در عهد صفویه نیز استمرار داشته، و سنگ نبشته مربوط به این مسأله در ۱۰۴۶ ه.ق. - کلاً یا جزأ - تجدید شده است و هم تبدیل نام قصه «خرگرد» به «لنگر» از حدود دهه سوم از قرن دهم هجری روی داده است. از بهر غلبه جزئی از نام یک محل بر کلیت آن. زیرا نگارشهای خانقاهی و صوفیانه حاکی از آن است که باشگاه (باشیدنگاه) قاسم انوار در همه ادوار زندگی او به «لنگر» شهرت داشته است. وقتی که نامبرده در چهارسوق هرات به خلوت و ارشاد مریدان می پرداخته است باشگاه او را طبق معمول «خانقاه» نمی خوانده اند «لنگر» می نامیده اند.<sup>۵</sup> در قصه خرگرد (خرجرد جام) نیز بر همین منوال، خانقاه او را «لنگر» می نامیده اند.

واژه «لنگر» - با بار معنایی صوفیانه - بی گمان ریشه در عرفان و تصوف شبه قاره هندوستان دارد اعم از تصوف بودایی (هندویی) و تصوف اسلامی - بودایی (هندی). خواندن برخی از

۳. نظامی باخرزی، همان، ۱۶۶/۱.

۴. سرفنامه، پیشین، ۱۲۷.

۵. بسنجید با قضاوتها و برآوردهای قاضی نورالله شوشتری از آرای نقشبندیه در مجالس المؤمنین، جلد دوم.

۶. ر.ش: منشأ الانشاء، پیشین، ۱۶۶/۱-۱۶۷.

۷. ر.ش: جامی، تفهعات الاتس، طبع توحیدی پور، تهران، ۱۳۳۶، ۵۹۳.



ه نجیب مایل هروی

خانقاههای خراسان به نام «لنگر» البته پیشینه دیرینه ندارد، سابقه کاربرد و استعمال آن در میان خانقاهیان ایران از نیمه دوم سده هشتم هجری پیشتر نمی‌رود. این که عده‌ای از محققان معاصر به استناد بیت منسوب به باباطاهر اُرستانی:

مَنْ آن پیژم که خوانندم قلندر ~~سینه~~ خانم بی، نه مانم بی، نه لنگر

پیشینه این واژه را با بار معنایی خانقاهی آن به سده پنجم هجری منسوب داشته‌اند؛ البته خالی از مسامحه و ناشناخت نمی‌نماید. زیرا، اولاً باید دانست که نسبت بیت مزبور به باباطاهر، به لحاظ نسخه‌شناسی تاریخی نسخ اشعار و رباعیات باباطاهر عریان، استوار و محکم نیست. کهنترین نسخه‌ای که بیت مذکور را در بر دارد جنگی است که در ۸۴۸ ه. ق. نویسانیده شده است؛ و این دوره‌ای است که قلندری و قلندریان رباعیها و بیتهای «باباطاهروار» گفته‌اند و از «هر دم شهیدی» خود نالیده‌اند و آنها را زبانگرد آوارگان و دزدبازان متذوق صوفی مشرب منطقه ساخته‌اند.

۸. ر. ش: محسن کیانی، تاریخ خانقاه در ایران، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۱۰-۱۱۱، کاربرد واژه لنگر در شعر شاعران عصر غزنوی و سلجوقی بار معنایی غیر عرفانی دارد. فقط سنایی لنگر را به معنای جایگاه مقامران به کار برده است. ر. ش: دیوان، ۱۳۵، «لنگر» در شعر سنایی از جهتی معنای آن را به «خرابات» نزدیک می‌دارد با این تفاوت که خرابات خیلی زودتر از لنگر بار معنایی عرفانی پیدا کرده است.  
۹. ر. ش: منوی، مجتبی، «از خزائن ترکیه» مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال ۴، ش ۲ (دی‌ماه ۱۳۳۵) ص ۵۲-۵۸؛ نیز: پرویز اذکایی، باباطاهرنامه، تهران، ۱۳۷۵، صص ۲۷۲-۲۷۳.

ثانیاً باید دانست که «لنگر» و «لنگرگاه» با بار معنایی خانقاهی و صوفیانه - تا آنجا که من جسته‌ام - در هیچ‌یک از متون و نگارش‌های خانقاهی ایران، پیش از نیمهٔ دوم سدهٔ هشتم هجری دیده نمی‌شود. در تاریخ تصوف خراسان - در سدهٔ نهم هجری - «لنگر» بر خانقاهی اطلاق می‌شده است که صوفیان و راهروان در آنجا در سرتاسر حیات و سلوک صوفیانهٔ خود مقیم و جایگیر نبوده‌اند. عموماً صوفیان و مریدان ستیاری و گردشگر برای مدتی کوتاه یا بلند به آنجا می‌آمده و لنگر می‌انداخته و اطعام می‌شده و احياناً خلوتی هم می‌کرده‌اند و از آنجا می‌کوچیده و می‌رفته‌اند. لنگرها و لنگرخانه‌های هرات و دیگر نواحی خراسان در سدهٔ نهم هجری دقیقاً همین خاصیت را داشته‌اند.<sup>۱۰</sup> در این‌گونه از خانقاهها شخصی به‌نام «شیخ خانقاه» - که بر مذاق مشخص - یک سلسلهٔ صوفیانه (طریقه) سلوک کنند - نیز وجود نداشته است. سید قاسم انوار نیز چنین بوده است. او هرگز به سلسله‌ای معین از طریقه‌های شناخته‌شده سدهٔ نهم هجری منسوب نبوده است، این‌که عده‌ای او را «نقشبندی» خوانده‌اند، البته قرین صواب نیست؛ زیرا مستند نقشبندی بودن انوار - که سخنی از خواجه عبیدالله احرار است<sup>۱۱</sup> - سست است و نااستوار، و نشان از پیوستن «های خانقاهی» دارد.

به‌رحال، به‌پندار من، «لنگر» واژه‌ای است معادل «منزل» و «رباط»، که از دیرباز در جهان اسلام، و خصوصاً در قلمرو تصوف خراسان موضوعیت داشته است مانند رباط ابن‌مبارک بخاری و دهها و صدها رباط دیگر<sup>۱۲</sup>. اما از سدهٔ هفتم هجری که آرای تصوف هندی و هندوی با آمدوشد بخشیمان و صوفیان سیاح و جهانگرد موسوم به قلندریان از شبه‌قاره به ایران شروع شد، و نیز از سدهٔ هشتم هجری که احداث و ایجاد خانقاهها به‌منظور اطعام و اسکان راهروان جهانگرد صوفی‌منش رو به‌فزونی نهاد، واژهٔ لنگر نیز در تصوف خراسان مجال طرح یافت و در قرن نهم بر برخی از باشیدنگاههای صوفیه اطلاق شد.

به‌رحال، نامیدن قصبهٔ خرگرد (خرگرد) جام به «لنگر» به‌رغم پندار خانیکوف هیچ ربطی به توقفگاه کشتی و «زیر آب بودن» دشتهای منطقه ندارد بلکه این نام بر اثر تحولی که در باورها و پندارهای اهالی آن منطقه پیدا شده، بر آن محل گذارده شده است به‌طوری که اهالی آن منطقه - همچنان که خانیکوف دریافته است - به‌صورت عام به طریقهٔ نقشبندی گراییده‌اند و مذاق صوفیانه یافته‌اند، و نام جزئی از آن منطقه را - که به‌نام لنگر نامیده می‌شده و در مجاورت خاکجای سید قاسم انوار بوده است و مورد پسند و مطابق ذوق عام اهالی آنجا - بر کل آن محل گذارده‌اند.



۱۰. بسنجید: نظامی، یاخرزی، منشأ الانشاء، پیشین، ۲۷۱/۱، ۲۷۷.

۱۱. جامی از عبیدالله احرار نقل کرده است که «سید قاسم حضرت خواجهٔ بزرگ - خواجه بهاء‌الدین [نقشبند] را - قدس‌الله سره - در نواحی ایپورد دیده بود و صحبت داشته، و طریقهٔ ایشان را معتقد بود و از وی فهم می‌شد که خود را بر آن طریقه می‌داشته»، نفعات‌الناس، پیشین، ۵۱۴.

۱۲. برای اطلاع از این رباطها، ر. ش: نگارشهای جغرافیا تاریخی مانند اشکال العالم جهانی؛ اخبار البلدان ابن‌فقیه همدانی؛ مسالک و ممالک استخری؛ معجم البلدان یا قوت.